

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی ادبی ، اندیشگانی اشعار محمدعلی افراشته

از

اسد رجب نواز بیجارپس

استاد راهنما

دکتر علی صفایی سنگری

استاد مشاور

دکتر فیروز فاضلی

تقدیر و تشکر

سپاس خداوند کارساز بنده نواز را که توفیق پیدا و پنهانش یاری کرد تا این خدمت ناچیز سامان و پایان یافت .

در آغاز سخن لازم می دانم مراتب تشکر و قدردانی خود را از اساتید بزرگواری که مرا در به انجام رساندن این پژوهش یاری رساندند ، به عمل آورم . از استاد راهنمای گرانقدر جناب آقای دکتر علی صفایی سنگری که زحمت راهنمایی این رساله را تقبل فرموده اند ، بی نهایت سپاسگزارم ، از جناب آقای دکتر فیروز فاضلی که با ارائه نظرات ارزشمند خود مرا در این راه یاری کردند ، تشکر و قدردانی می کنم . از زحمات و راهنمایی سایر اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان که در طول این دوره ، افتخار شاگردی ایشان را داشتم ، صمیمانه سپاسگزارم . از خانواده گرامی به ویژه مادر عزیزم که حضورشان یاری بخش من بود ، تشکر می کنم .

**بررسی ادبی ، اندیشگانی اشعار محمد علی افراشته
اسد رجب نواز بیجارپس**

محمد علی افراشته شاعر و نویسنده طنز پرداز از بزرگترین چهره های ادبی معاصر به حساب می آید. افراشته در دوره ای می زیست که مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی نظیر: مسائل ارباب رعیتی، فقر و غنا، کار و کارگر، استعمارستیزی و... بیشترین تأثیر را در شعر این دوره از جمله در اشعار وی داشته است. در این پایان نامه سعی شده است تا ضمن معرفی شخصیت ، آثار ، و روزگار زندگی افراشته، به تحلیل ادبی و اندیشگانی اشعار وی بپردازیم. بر این اساس این پایان نامه در چهار فصل تدوین گردیده که عبارتند از:

(۱) فصل اول: معرفی شاعر (۲) فصل دوم: معرفی روزگار شاعر (۳) فصل سوم : تحلیل ادبی اشعار شاعر (۴) فصل چهارم: تحلیل اندیشگانی اشعار شاعر

در مبحث تحلیل ادبی، آرایه هایی چون: تشبیه، مجاز، کنایه ، استعاره، ، جناس، تلمیح و... بیشترین کاربرد را داشته اند. در بین انواع آرایه ها، تشبیه ، و در بین انواع تشبیه ، گونه محسوس به محسوس آن بیشترین بسامد را در اشعار وی داشته است. در حوزه اندیشگانی نیز می توان از مفاهیمی نظیر: استعمارستیزی، خرافات ستیزی، مسائل ارباب رعیتی، تعلیم و تربیت زنان و... به عنوان مهمترین محورهای فکری افراشته نام برد. افراشته از کشورهای انگلیس و آمریکا به عنوان دو نماد مشخص حضور استعمار در ایران یاد می کند. با خرافات و اختلاف طبقاتی بین ارباب و رعیت به شدت مخالف است و ضمن حفظ شخصیت انسانی زنان، آنان را به فراگیری علوم نوین ترغیب می کند.

کلید واژه : افراشته ، ادبیات معاصر ، نقد ادبی ، نقد اندیشگانی

abstract

A literary and intellectual Analysis of
mohammad Ali Afrashteh's poems
A sad Rajabnavaz bijarpas

Mohammad ali Afrashteh poet and satirist is the biggest contemporary literary character. Afrashteh lived in the time which the social and political different matters like master and man matters, poverty and weath work and worker fight with colonization...had the most effect in the poem of this time and his poem too.

In this thesis I tried along with introduce of Afrashteh,s character,works and the time of his life have same explanations about his literary analysis and poem thoughts. According to this matters this thesis divided to four chapters:1)chapter one:Introduce of the poet.2)chapter two:Introduce of the poet,s time.3)chapter three:the literary analysis of the poet,poem.4)chapter four:the intellectual analyais of the poet,poem.

In the chapter of literary analyais has the most usage literary signs like simile,authorized,irony,allegory,pun,allusion,...There are the alonge of the kinds of literary sings:simile and the alonge the kinds of simile the kinds of sensible to sensible in his poems.

In the intellectual area,we can count the most important of Afrashteh,s thought axles which they are contexts like fight with colonization, fight with superstitious, master and man matters,women,s educations and soon.

Afrashteh remembered fram England and America for twe symbols of existence of colonization in Iran. He disagreed with superstitious and class distinctions between master and man,and alonge protection of women,s humanistic character,He encourage them to learn new sciences.

Keyword:Afrashteh , contemporaryliterature ,literarycriticism ,intellectualcriticism

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	بیان مسئله
۳	ضرورت و اهمیت پژوهش
۳	قلمرو پژوهش
۳	پیشینه پژوهش
۳	محدودیت های پژوهش
۴	ساختار پژوهش
۵	۱. درباره افراشته
۵	۱-۱. آغاز زندگی
۷	۱-۱-۱. خانواده افراشته
۷	۱-۱-۲. همکاری با جراید تهران
۷	۱-۱-۳. در کنگره نویسندگان
۸	۱-۱-۴. کاندیداتوری در دوره هفدهم مجلس شورای ملی
۱۰	۱-۱-۵. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲
۱۰	۱-۱-۶. توقیف روزنامه چلنگر
۱۱	۱-۲. زندگی برون مرزی
۱۱	۱-۲-۱. مهاجرت و اقامت در بلغارستان با نام مستعار « حسن شریفی »
۱۱	۱-۲-۲. فعالیت ادبی در بلغارستان

۱۱	۳-۲-۱. خاتمه زندگی
۱۲	۳-۱. آثار افراشته
۱۲	۱-۳-۱. آثار منظوم
۱۲	۱-۱-۳-۱. اشعار فارسی
۱۳	۲-۱-۳-۱. اشعار گیلکی
۱۴	۲-۳-۱. آثار منثور
۱۴	۱-۲-۳-۱. کتاب «چهل داستان»
۱۵	۲-۲-۳-۱. دماغ شاه
۱۶	۳-۲-۳-۱. سفرنامه
۱۶	۴-۲-۳-۱. نمایشنامه
۱۷	۱-۴-۲-۳-۱. کمدی اخوی زاده
۱۷	۲-۴-۲-۳-۱. شوهر خواهر
۱۷	۳-۴-۲-۳-۱. کمدی مسخره بازی
۱۸	۴-۴-۲-۳-۱. کمدی خودکشی
۱۹	۳-۳-۱. روزنامه چلنگر
۲۱	۴-۱. جایگاه افراشته در ادبیات بومی
۲۳	۵-۱. افراشته و طنز
۲۴	۶-۱. بازتاب شعر پیشینیان در اشعار افراشته
۲۴	۱-۶-۱. ناصر خسرو
۲۵	۲-۶-۱. نظامی
۲۵	۳-۶-۱. سعدی
۲۶	۴-۶-۱. مولانا

۲۷	۵-۶-۱. حافظ
۲۸	۶-۶-۱. دهخدا
۲۹	۷-۱. افراشته و آنتوان چخوف
۳۰	۱-۷-۱. مهمترین شخصیت های داستانی دو نویسنده
۳۰	۱-۱-۷-۱. کارمندان دون پایه ادارات
۳۱	۲-۱-۷-۱. خدمتکاران
۳۲	۳-۱-۷-۱. روستاییان
۳۳	۲. معرفی روزگار شاعر
۳۳	۱-۲. نگاهی گذرا به انقلاب مشروطه و تاثیر آن در ادب فارسی
۳۵	۲-۲. گذری بر دوره ی گذار
۳۶	۳-۲. به قدرت رسیدن رضاخان
۳۷	۴-۲. اوضاع سیاسی ایران در دوره رضاخان
۳۷	۱-۴-۲. حضور استعمار در ایران
۳۸	۲-۴-۲. جنگ جهانی دوم و اشغال ایران
۳۹	۵-۲. اوضاع اجتماعی
۳۹	۱-۵-۲. اجباری کردن سربازی
۴۰	۲-۵-۲. نظام ارباب ، رعیتی
۴۱	۶-۲. اوضاع اقتصادی
۴۲	۷-۲. اوضاع ادبی
۴۲	۱-۷-۲. تحقیقات ادبی
۴۲	۲-۷-۲. شعر دوره ی رضاخان
۴۳	۳-۷-۲. وضعیت شاعران

- ۴۳ ۴-۷-۲. سانسور در مطبوعات و اشعار
- ۴۴ ۵-۷-۲. شهربانی و نظارت بر مطبوعات
- ۴۵ ۸-۲. سقوط رضاخان و سلطنت محمدرضا شاه
- ۴۶ ۱-۸-۲. اوضاع سیاسی
- ۴۷ ۱-۱-۸-۲. آزادی زندانیان
- ۴۷ ۲-۱-۸-۲. حضور آمریکا در ایران
- ۴۹ ۳-۱-۸-۲. تغییر سیاست استعمارگران
- ۴۹ ۴-۱-۸-۲. ملی شدن صنعت نفت
- ۵۱ ۵-۱-۸-۲. قطع رابطه با انگلستان
- ۵۲ ۶-۱-۸-۲. استعفای مصدق و نخست وزیری قوام السلطنه
- ۵۴ ۷-۱-۸-۲. حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱
- ۵۵ ۸-۱-۸-۲. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، سقوط دکتر مصدق و نخست وزیری زاهدی
- ۵۶ ۹-۲. اوضاع اجتماعی
- ۵۶ ۱-۹-۲. نظام ارباب ، رعیتی
- ۵۷ ۱۰-۲. اوضاع اقتصادی
- ۵۸ ۱۱-۲. اوضاع ادبی
- ۵۹ ۱-۱۱-۲. گسترش طنز
- ۶۰ ۲-۱۱-۲. وضعیت مطبوعات
- ۶۱ ۱۲-۲. بعد از کودتا
- ۶۲ ۱۳-۲. خلاصه ی فصل
- ۶۳ ۳. تحلیل ادبی اشعار افراشته
- ۶۴ ۱-۳. تشبیه

۶۴	۱-۱-۳. تشبیه محسوس به محسوس
۷۰	۲-۱-۳. تشبیه عقلی به حسی
۷۱	۳-۱-۳. تشبیه حسی به عقلی
۷۱	۴-۱-۳. تشبیه بلیغ
۷۴	۵-۱-۳. تشبیه جمع
۷۵	۶-۱-۳. تشبیه مضمّر
۷۵	۲-۳. استعاره
۷۵	۱-۲-۳. استعاره مصرحه
۷۸	۲-۲-۳. استعاره مکنیه
۷۹	۳-۳. مجاز
۸۰	۱-۳-۳. مجاز به علاقه آلیه
۸۰	۲-۳-۳. مجاز به علاقه حال ومحل
۸۱	۳-۳-۳. مجاز به علاقه لازمیّه
۸۱	۴-۳-۳. مجاز به علاقه جنس
۸۲	۴-۳. کنایه
۸۶	۵-۳. ترصیح
۸۷	۶-۳. موازنه
۸۷	۷-۳. جناس
۸۷	۱-۷-۳. جناس تام
۸۸	۲-۷-۳. جناس زاید
۹۰	۳-۷-۳. جناس مضارع ولاحق
۹۱	۴-۷-۳. جناس مرکب

۹۱	۵-۷-۳. جناس اشتقاق
۹۴	۸-۳. مراعات النظیر
۹۶	۹-۳. تضاد
۹۹	۱۰-۳. ایهام
۹۹	۱-۱۰-۳. ایهام تناسب
۹۹	۱۱-۳. تضمین
۱۰۱	۱۲-۳. تمثیل (ارسال المثل)
۱۰۳	۱۳-۳. تلمیح
۱۰۳	۱-۱۳-۳. تلمیح به حوادث تاریخی
۱۰۵	۲-۱۳-۳. تلمیح به شخصیت های اسطوره ای ، تاریخی
۱۰۸	۳-۱۳-۳. تلمیح به شخصیت های سیاسی ، حکومتی
۱۱۲	۴. تحلیل اندیشگانی اشعار افراشته
۱۱۳	۱-۴. مسائل اجتماعی
۱۱۳	۱-۱-۴. فقر و غنا
۱۱۸	۲-۱-۴. مناسبات ارباب و رعیت
۱۳۰	۳-۱-۴. اخاذی و رشوه گیری
۱۳۲	۴-۱-۴. کارو کارگر
۱۳۵	۵-۱-۴. کار زنان
۱۳۷	۶-۱-۴. ستایش صلح و نفرت از جنگ
۱۴۱	۷-۱-۴. انتقاد از مواد افیونی
۱۴۳	۲-۴. مسائل عقیدتی و فرهنگی

۱۴۳	۱-۲-۴. خرافات و خرافات ستیزی
۱۴۷	۲-۲-۴. تقدیر ستیزی
۱۵۰	۳-۲-۴. مبارزه با جهل و بیسوادی
۱۵۲	۴-۲-۴. آموزش زنان
۱۵۵	۳-۴. مسائل اقتصادی
۱۵۵	۱-۳-۴. بازار
۱۵۸	۲-۳-۴. بازاریان
۱۶۱	۳-۳-۴. امکانات زندگی
۱۶۳	۴-۴. مسائل سیاسی
۱۶۳	۱-۴-۴. استعمار ستیزی
۱۶۴	۱-۱-۴-۴. استعمار در داخل کشور
۱۶۶	۲-۱-۴-۴. استعمار برون مرزی
۱۶۷	۲-۴-۴. انتقاد از حکومت مرکزی
۱۶۹	۱-۲-۴-۴. کارگزاران دولتی
۱۶۹	۱-۲-۴-۴. شاه
۱۷۱	۲-۱-۲-۴-۴. قوام
۱۷۳	۳-۱-۲-۴-۴. پلیس و شهربانی
۱۷۵	نتیجه گیری
۱۷۶	پیشنهاد برای ادامه ی کار
۱۷۷	فهرست جداول
۱۸۷	فهرست بسامدها
۱۹۳	منابع

مقدمه :

شعر و یا سخن موزون بخش مهمی از ادبیات ما را تشکیل می دهد و بزرگترین اندیشمندان و عالمان یا شاعر بودند و یا دست کم شعر هم می سرودند . در تعریف شعر نظرات مختلفی داده شده است . « علمای عروض وجه تمایز شعر را از نثر در وزن و قافیه می دانستند آنان کلامی را که موزون و مقفی بود شعر نامیده و کلام غیر موزون را نثر می گفتند ، در واقع علمای عروض بدون توجه به محتوای منظومه ها و فقط با توجه به فرم و شکل و قافیه هر نوع کلام موزون را شعر می نامیدند » (زرین کوب ، ۱۳۷۲ : ۴۶) . دکتر شفیعی کدکنی می گوید : « شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است » (شفیعی ، ۱۳۵۹ : ۹۳)

عده ای نیز ویژگی اصلی شعر را در تاثیرگذاری آن بر احساسات و عواطف می دانند . « شاملو شعر را سخنی می داند که از منطق و قیاس و تجربه می گذرد و بدون آن که از آن ها یاری بگیرد ، مستقیماً احساسات و عواطف دیگران را تحریک می کند » (درستی ، ۱۳۸۱ : ۴۳) . با توجه به تعاریف ارائه شده می توان ویژگی های شعر را وزن ، قافیه ، عاطفه ، تخیل و در نتیجه تاثیرگذاری آن بر عواطف و احساسات دانست .

از آن جا که اشعار افراشته را باید در زمره شعرهایی با مضامین سیاسی مربوط به روزگاری سپری شده دانست ، بنابر این به تعریف و بررسی شعر سیاسی می پردازیم :

شعر سیاسی چیست ؟ بعد از انقلاب مشروطه ، حضور سیاست در تمام شئون مختلف زندگی بشر مشهودتر شد . حکومت ها برای تثبیت قدرت خود طرح ها و برنامه های مختلفی را به اجرا در می آوردند که از طرفی وضع ساکنان و شهروندان را بهبود ببخشد و از طرفی دیگر قدرت را برای دولت ها حفظ و تثبیت کند . این اقدامات و عملکرد حکومت ها از دید منتقدانه ی شاعران و روشنفکران به دور نمی ماند و واکنش های مختلف آن ها به صورت تایید و رد به اشکال مختلف را در پی داشت . اظهار نظر مختلف شاعران در مورد عملکردهای مختلف دولت ها و به عبارت دیگر نفوذ سیاست در شعر شاعران باعث به وجود آمدن شعری شد که از آن به « شعر سیاسی » تعبیر می کنند . شاید به دلیل ثابت نبودن موضوعات سیاسی نتوان تعریف دقیقی از شعر سیاسی ارائه داد مثلاً موضوعی که در چند سال پیش سیاسی محسوب می شد ، ممکن است امروزه در شمار موضوعات غیر سیاسی قرار گیرد . در هر صورت برای شعر سیاسی تعاریف مختلفی ارائه داده اند :

ضیاء موحد از قول رابرت هالبرگ شعری را سیاسی می داند که « درباره اوضاع و احوال اجتماع و قابل تغییر باشد یعنی در مورد اموری که طبیعی نیستند بلکه در حیطه ی عملکرد بشر و با تلاش و اراده ی او قابل تغییر هستند »

(موحد ، ۱۳۷۷ : ۸۶) . در تعریف دیگری گفته اند : « هر نوع کلامی که علاوه بر داشتن جوهره ی شعری ، در مورد حاکمیت و قدرت در جامعه و روابط غیر شخصی میان افراد پرداخته باشد ، شعر سیاسی است . در این تعریف طیف وسیعی از اشعار اجتماعی قرار می گیرند که از مدح فرمانروایان گرفته تا ذم و هجو و تحقیرشان را شامل می شود و موضوعات متعددی از قبیل وطن ، آزادی ، مبارزه با استعمار و استثمار در آن ها طرح شده است و شیوه بیان مطالب نیز گاهی در لفافه تشبیه و استعاره و کنایه پوشانده شده و گاهی هم به صراحت تمام بیان گشته ، در ضمن زمانی به صورت طنز و زمانی هم به صورت کاملاً جدی طرح شده اند » (درستی ، ۱۳۸۱ : ۵۷)

طبق تعاریف بالا شعری را می توان سیاسی شمرد که اولاً روابط شخصی میان افراد در آن وجود نداشته ، ثانیاً موضوعاتی مانند وطن ، آزادی ، مبارزه با استعمار و ... با شیوه های بیانی مختلف در آن مطرح شده باشد. ادبیات به عنوان یک پدیده اجتماعی در جامعه بشری به وجود می آید و به ناچار از آن متحول و متأثر می شود. این پدیده هرچند اغلب فرد را به صورت شخص منفرد مورد توجه قرار می دهد، ولی در مجموع کارکردهای مختلفی را دنبال می کند. در این صورت تحولات سیاسی، اجتماعی جامعه از دید تیزبین ادبیات دور نبوده و این حوادث نظیر: فقر، بیکاری، تعلیم و تربیت، گرانی و کمبود کالا، مساله ی زنان و... بخشی از کارکرد های ادبیات را تشکیل می دهد . در دوره پهلوی حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی هم چون روی کار آمدن رضاخان، اقدامات رضاخانی، اشغال ایران توسط متفقین، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و... بیشترین تاثیر را در شعر سیاسی، اجتماعی این دوره گذاشت. به عنوان نمونه ورود متفقین و اشغال ایران باعث شد فضای سیاسی نسبت به دوره پهلوی اول بازتر شده و شاعرانی که در دوره ی رضاخان مخفیانه به طرح مسایل سیاسی می پرداختند، آشکارا به طرح مسایل سیاسی، اجتماعی روز بپردازند. علاوه بر این می توان از نقش کشورهای بیگانه در جلب نویسندگان و روشنفکران بعضاً مخالف سیاست های حکومت پهلوی به سمت خود ذکر کرد. به عنوان نمونه « انجمن فعالیت ادبی ایران و روسیه » در دوره پهلوی دوم، بسیاری از روشنفکران مخالف و منتقد این دوره را به سمت خود کشید و حوادثی مانند ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد باعث شد ،شاعران به طرح مفاهیم وطن پرستی و استبدادستیزی روی بیاورند. پیروزی کودتاچیان و روی کار آمدن زاهدی ، دوباره فضای سکوت و اختناق را به جامعه ادبیات تحویل داد.

بیان مسئله : بدون تردید یکی از مناسب ترین راه ها برای پی بردن وضعیت سیاسی ، اجتماعی یک دوره ، مطالعه آثار شاعران و نویسندگان همان عصر و روزگار است . از این رو بررسی اشعار محمدعلی افرشته (۱۳۳۸-۱۲۸۷) می تواند ما را در شناخت هر چه بهتر و بیشتر روزگار پهلوی به ویژه پهلوی دوم رهنمون باشد .

ضرورت و اهمیت پژوهش : تاکنون به صورت برجسته و منسجم ، بررسی شایسته ای از آثار این شاعر طنز پرداز صورت نگرفته است . و تمامی گفته ها و نوشته ها در حد معرفی جزئی و آوردن اشعاری از شاعر در مجموعه های شعری و بعضی نظرات شخصی و بعضاً تکراری در مورد شاعر ، خلاصه می شود . امید است این نوشتار بتواند تا حدودی حق این شاعر را نه تنها در ادبیات گیلکی بلکه در حوزه ی ادبیات فارسی ادا کند و شاید شروعی باشد برای بررسی های دیگر و شناخت بهتر و بیشتر شاعر و در نتیجه معرفی او به همه ادب دوستان و دوستداران فرهنگ و ادبیات محلی .

قلمرو پژوهش : دامنه ی پژوهش در این رساله ، اشعار فارسی و گیلکی افراشته است . اشعاری که شاعر از سال های ۱۳۰۸ تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سروده و در روزنامه فکاهی « چلنگر » به چاپ رسانده است .

پیشینه پژوهش : سابقه ی تحقیق در مورد شاعر ، در حد چاپ اشعار و آثار وی و برخی نوشته ها و مقالات در حد معرفی شاعر و برخی اشعارش خلاصه می شود . از مقاله های قابل ذکری که در مورد اشعار شاعر نوشته شده ، می توان به مقاله ی « بازتاب قشر بندی اجتماعی در طنز نسیم شمال و افراشته » از دکتر « سید هاشم موسوی » اشاره کرد که در مجله ی زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه سیستان و بلوچستان ، سال دوم ، بهار و تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است . علاوه بر آن می توان به مقاله « افراشته و شعر گیلک » اشاره کرد که توسط آقای محمود نیکویه در فصل نامه ی تاریخی ، اجتماعی ، فرهنگی « گیلان زمین » ، تابستان و بهار ۷۵-۱۳۷۴ منتشر شده است . ضمن این که مجله ی « گیله وا » شماره ی ۱۰۴ نیز با محوریت افراشته به چاپ رسیده است .

محدودیت های پژوهش : نبود پیشینه ی دقیق علمی و منابع مورد استفاده در این خصوص ، بکر بودن مسیر تحقیق و ... را می توان به عنوان مهمترین مشکلات در خلال بررسی اشعار شاعر دانست.

ساختار پژوهش : پژوهش حاضر در چهار فصل تدوین یافته است :

فصل اول : در فصل اول ابتدا به معرفی مختصر شاعر ، زادگاه و خانواده ی وی پرداخته شده است سپس به معرفی آثار وی و تاثیر پذیری از شاعران دیگر با ذکر موارد مشابه پرداخته ایم . ضمن این که به مقایسه ی اجمالی داستان های افراشته و آنتوان چخوف نیز اشاره شده است .

فصل دوم : در این فصل به معرفی اجمالی سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی روزگار شاعر (پهلوی اول و دوم) پرداخته ایم . مبنای ما در این فصل مهمترین حوادثی بود که بیشترین تاثیر را در شعر افراشته داشته است . حوادثی نظیر : حضور استعمار در ایران ، مناسبات ارباب و رعیتی ، سقوط مصدق و نخست وزیری قوام السلطنه ، حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ...

فصل سوم : در فصل سوم به بررسی مهم ترین آرایه های مورد استفاده ی شاعر در اشعارش پرداخته شده است . که عبارتند از : تشبیه ، کنایه ، استعاره ، مجاز ، ، انواع جناس ، تلمیح و...

فصل چهارم : در این فصل به مهم ترین درون مایه های اشعار شاعر پرداخته ایم . از این رهگذر مسائلی نظیر : استعمار ستیزی ، خرافات ستیزی ، مناسبات ارباب و رعیت ، کار و کارگر ، آموزش زنان و ... از مهم ترین مضامین اشعار افراشته در حوزه ی اندیشگانی محسوب می شوند.

فصل اول:

درباره ی افزایش

۱. درباره ی افراشته : سرزمین گیلان از گذشته های دور از وجود شاعران و گیلک سرایان بی نصیب نبوده ولی تعداد آن ها بسیار اندک بوده است و اغلب در زمان های مختلف و به فاصله ی چند سال می زیستند .

یکی از قدیمی ترین نوشتارهای گیلکی ، اشعار کمال الدین بندار رازی است . « اگر چه دفتر شعر گیلکی بندار امروزه پیدا نیست اما ترانه هایی از او به جا مانده و موجود است . حمدا... مستوفی به سال ۷۳۰ ه . ق آن را در تاریخ گزیده ثبت نموده و این می رساند که دفتر شعر گیلکی بندار و دست کم « چموش نامه » او در دسترس بوده و شهرتی تمام داشته است . بندار در سال ۴۱۰ ه . ق درگذشت . اما با توجه به پسوند رازی (اهل ری) نمی توان بندار را شاعر گیلک و گیلک سرا دانست ، هر چند اشعاری به گویش گیلکی از او باقی مانده باشد» (اصلاح عربانی ، ۱۳۷۴ : ۵۱۶)

از آن جا که گیلکی زبان ادبی و مدونی نبوده ، سخنورانی که از این منطقه برخاسته اند ، آثار خود را به زبان فارسی نوشته و سروده اند . بنابراین معدودند شاعرانی چون شرفشاه گیلانی (به عنوان قدیمی ترین شاعری که به زبان محلی شعر سرود) و میرزا حسین خان کسمایی و برادرش محمد کسمایی ، شاعران دوره نهضت مشروطه و انقلاب جنگل ، که به گیلکی شعر سروده و نام و نشانی کسب کرده باشند یکی از این معدود شاعران و به تعبیر بعضی « بزرگترین سراینده ی اشعار گیلکی » (نبوی ، ۱۳۸۷ : ۲۳) محمد علی افراشته است .

۱-۱ . آغاز زندگی: محمد علی افراشته (راد باز قلعه ای) فرزند حاج شیخ جواد مجتهد باز قلعه ای در سال ۱۲۸۷ ه . ش در روستای باز قلعه ی سنگر از توابع شهرستان « رشت » دیده به جهان گشود . تحصیلات مقدماتی را در همان روستا و شهر گذراند . آن گونه که خود می گوید : مقدمات عربی را پیش « مرحوم ملا فتح الله » در مدرسه قدیمه « ترقی » رشت گذراند . (نک ، نوح ، ۱۳۶۰ : ۱۷۰) وی پس از فراغت از تحصیلات مقدماتی وارد خدمات اجتماعی شد و دوره ی تحصیلاتش را ناتمام گذاشت . او از پدری مرفه و از طبقه ی ملاکین که هم اهل علم بود و هم کم و بیش ثروتی داشت . ولی مادرش دختری دهاتی بود و خانه شان محل رفت و آمد مردم . افراشته در یکی از اشعار فارسی خود ، از رفت و آمد پدرش با تجار رشت اشاره می کند که حکایت از طبقه ی اجتماعی خانواده ی او دارد :

« این قصه سی و چند سال است	انگار که داستان حال است
من کودک خرد سال بودم	بی دغدغه خیال بودم
در رشت جناب تاجری بود	در خاک ارس مسافری بود
هر سال به پتربورگ رفتی	کشمش بردی گالش گرفتی

این تاجر عمده عادت‌ی داشت	چون با پدرم ارادت‌ی داشت
وقتی که به رشت بازگشتی	سوقاتی خیلی خوب و مثنی
آورده به من عطا نمودی	من را ز خودش رضا نمودی ...» (نوح ، ۱۳۵۸ : ۱۰۱)

علاوه بر این ، افراشته در یکی از اشعار گیلکی خود به تبار روستایی و دهقانی بودن خود اشاره دارد. ظاهراً یکی از مخالفان سیاسی افراشته که خانواده اش را می شناخت و حیف می دانست که افراشته با آن استعداد سخن گویی خود ، در حمایت از توده ی مردم سخن بگوید ، گفته است : پدر افراشته آدم انسانی بود علت این که افراشته ناخلف و مانند جعفر کذاب درآمد ، به خاطر این است که او از سوی مادر ، گیله مرد است . یعنی تبارش به دهقانان می رسد . بیتی که افراشته از زبان خود می گوید :

افراشته پتر آدم و انسان بو بمرده ←	پدر افراشته آدم خوبی بود که مرد.
آ شاعر کذاب جه ماری گیله مرده	' این شاعر کذاب از سوی مادر دهقان و دهقان زاده است.
ترجمه	
	(پاینده ، ۱۳۷۴ : ۲۴۵)

در آغاز به دلیل ریشه دار بودن اندیشه های مبارزه جویی چون قیام جنگل در سرزمین گیلان ، به آن سمت و سو کشیده شد و شاید یکی از دلایل قطع رابطه ی افراشته با پدر ، همین امر باشد . از این رو بیشتر در کنار مادر و در دامن طبیعت و در روستا روزگار گذراند . در خلال همین سال ها بود که از نزدیک با مسائل ارباب رعیتی و حوزه های دیگر زندگی اجتماعی روستا آشنا شد که تاثیر عمیقی بر افکار او گذاشت .

« به تدریج بر اثر کسب تجربه و مطالعه در کتابخانه تازه تاسیس « جمعیت فرهنگ رشت » به سال ۱۲۹۵ هجری شمسی ، با عناصر اصلی فرهنگ و آداب و رسوم مردم گیلک آشنا شد و پیوند معنوی پیدا کرد « (نک ، گیله وا / ش ۱۱ / صفحه ۱۰) .

وی کار ادبی خود را در سال ۱۳۰۸ ه .ش با سرودن اشعار گیلکی آغاز کرد اشعاری که پیش از پیوستگی های اجتماعی و درگیری های سیاسی سروده و در مجله ها و روزنامه های آن روزگار رشت با نام « راد باز قلعه ای » به چاپ می رساند . افراشته در بیتی به تخلص اولیه ی خود اشاره دارد :

آ منظومه یا یادگار من بنام	← ترجمه	این منظومه را من به یادگار گذاشتم .
کیم راد باز قلعه ای والسلام	← ترجمه	کی هستم ؟ راد باز قلعه ای والسلام (پاینده ، ۱۳۷۴ : ۲۷۴)

۱-۱-۱. **خانواده ی افراشته** : اطلاعات به دست آمده از زندگی خانوادگی افراشته نشان می دهد که وی در سنین جوانی ازدواج کرده و ثمره ی این ازدواج ، دو پسر به نام های « بیژن » و « بهمن » و یک دختر به نام « روشن » بوده است . « بیژن » که کوچکترین فرزند خانواده ی افراشته بود ، قبل از مهاجرت افراشته به بلغارستان ، در ایران درگذشت . بنابراین زندگی برون مرزی افراشته به همراه همسر و دو فرزندش « بهمن » و « روشن » سپری شد . ماجرای علت مهاجرت به بلغارستان از زبان « بهمن افراشته » : « ... وقتی از پدرم پرسیدم که در میان این همه کشورهای اروپای شرقی ، چرا تو صوفیه ی بلغارستان را انتخاب کرده ای ، می گفت : آب و هوا و مناظر این شهرخیلی شبیه به گیلان خودمان است ... » (نک ، چیستا ، شماره ۸ و ۹ ، ۵۶۹ - ۵۷۰)

۲-۱-۱. **همکاری با جراید تهران** : افراشته کار مطبوعاتی خود را ابتدا در روزنامه ی « امید » به مدیریت « محمد اتحاد » آغاز کرد . اما این روزنامه پس از یک بار توقیف ، برای همیشه تعطیل شد . پس از مدتی حسین توفیق به ملاقات افراشته آمد و پیشنهاد همکاری در روزنامه ی « توفیق » را به او داد . افراشته و حسین توفیق که از بازماندگان روزنامه ی « امید » بود ، اقدام به انتشار روزنامه ی « توفیق » با مضمون طنز و فکاهی کردند . بنابراین افراشته را باید از جمله کسانی دانست که در فکاهی کردن این روزنامه نقش بسزایی داشت . نصرت الله نوح در کتاب « مجموعه آثار محمد علی افراشته » درباره ی همکاری افراشته با روزنامه ی توفیق از زبان شاعر می گوید : « همکاری من با روزنامه توفیق چه در زمان حسین توفیق و چه در زمان پسرش محمد علی ، تا سال های بیست و سه و بیست و چهار گاهی به طور مستمر و گاهی فاصله دار ادامه داشت ، اوایل زیر امضای « پرستو چلچله زاده » و یکی دو امضای دیگر چیز می نوشتم و اواخر ، امضای من « معمار باشی » بود حالا چرا « معمار باشی » امضا می کردم ، این خود تفصیلی دارد چون مربوط به این است که چطور ابتدا به ساکن و ناگهان ، یکهو معمار شهرداری تهران شدم و سال هایی در حدود هفت سال در این شغل باقی بودم ... » (نوح ، ۱۳۵۸ : ۲۵)

۳-۱-۱. **در کنگره نویسندگان** : یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی و هنری بین سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ه . ش. برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران است . این کنگره در ۴ تیرماه ۱۳۲۵ به دعوت انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی با شرکت حدود ۱۰۰ نفر از نویسندگان ، شاعران و محققان ایرانی که برگزارکننده ی بسیاری از جمع های ادبی بودند ، برگزار شد . مفاد قطعنامه ی این کنگره این بود که نویسندگان ایران در نظم و نشر ، سنت دیرین ادبیات فارسی ، یعنی طرفداری از حق و عدالت و مخالفت با ستمگری و زشتی را پیروی نمایند و در آثار خود از آزادی و عدل و دانش و رفع خرافات ، صحبت کنند . در این کنگره علاوه بر محمدعلی افراشته ، چهره هایی چون

صادق هدایت، نیما یوشیج، دهخدا، احسان طبری و ملک الشعرای بهار « که مدتی ریاست این انجمن را بر عهده داشت » (منیب الرحمن ، ۱۳۷۸ : ۳۸) ، شرکت داشتند . هر کدام به نوبت آثار خود را عرضه داشتند . وقتی نوبت به افراشته رسید قبل از این که آثار خود را بخواند ، چند کلمه ای صحبت کرد. او گفت : « در تهران ما دو گروه دکتر داریم . گروهی در شمال شهر مطب دارند که ویزیت آن ها پنج تومان است و گروهی دیگر در جنوب شهر مثلا در محله ی « اسمال بزاز » مردم را با دریافت پنج ریال مداوا می کنند . دکتر شمال شهری ممکن است بعضی روزها بیمار نداشته باشد و پولی گیرش نیاید اما دکتر جنوب شهری روزی پنجاه نفر را ویزیت می کند و ۲۵ تومان درآمد دارد . من شاعر مانند آن دکتر جنوب شهری هستم ، شعرم مال مردم جنوب شهر است . و ممکن است شعرای طرفدار « انوری » و « عسجدی » آن را نپسندند ولی من طرفداران خودم را دارم » (نوح ، ۱۳۵۸ : ۱۱-۱۰) .

افراشته در این کنگره دو شعر از مشهورترین اشعار خود به نام های « پالتوی چهارده ساله » و « شغال محکوم » را قرائت کرد.

۱-۱-۴. کاندیداتوری در دوره ی هفدهم مجلس شورای ملی : فرمان انتخابات دوره ی هفدهم مجلس شورای ملی در روز ۳۱ شهریور ۱۳۳۰ ه.ش صادر شد و دولت مصدق مامور برگزاری آن گردید . دکتر مصدق قصد داشت آزادترین انتخابات را به دور از دخالت های بیگانگان برگزار کند اما نتیجه ی کار چندان رضایت بخش نشد .

« تا جایی که خود دکتر مصدق که فکر می کرد اکثریت نمایندگان دوره هفدهم نمایندگان واقعی مردم خواهند بود این انتخابات را مخدوش و تحمیلی خواند . مجلس هفدهم در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ گشایش یافت » (آبر هامیان ، ۱۳۸۸ : ۳۳۱) . با وجود این که تنها عده ی کمی از حد نصاب نمایندگان به مجلس راه یافتند ولی همین تعداد اندک نیز نتوانستند خواسته های دولت را تامین کنند . به طوری که در نهایت مجلس منحل شد .

انتخابات در گیلان نیز همانند بسیاری از نقاط کشور با آشوب همراه بود . حتی در شهر رشت زد و خوردهایی بین هواداران جناح های مختلف سیاسی روی داد که منجر شد ، انتخابات این شهر به تعویق بیفتد .

در انتخابات این دوره ، محمد علی افراشته نیز خود را از رشت کاندیدا کرد . « او هر چند در میان دهقانان و کارگران نفوذ زیادی داشت اما هنوز شرایط برای انتخاب او و امثالش فراهم نبود » (فخرایی ، ۱۳۵۶ : ۵۱)

به تعبیر یکی از هواداران انتخاباتی او ، همزمان با ورود افراشته به رشت ، هواداران این شعر را در حمایت از او می خواندند :

گیلانی قهرمان به پا خیز و بکوش

گیلان غیور همچو دریا بخروش